

## ساخت هجا در گویش بلوچی سرحدی گرنچین

عباسعلی آهانگر<sup>۱</sup>

دانشگاه سیستان و بلوچستان

کارینا جهانی<sup>۲</sup>

دانشگاه اوپسالا

گلناز مدرسی قوامی<sup>۳</sup>

دانشگاه علامه طباطبائی

فهیمه ساغریچی<sup>۴</sup>

دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۱

### چکیده

بررسی ساخت هجا در مطالعات غیرخطی واج‌شناختی از اهمیت خاصی برخوردار است. پژوهش حاضر، در قالب پژوهشی میدانی، به بررسی ساخت هجا در گویش بلوچی سرحدی گرنچین، براساس نظریه واج‌شناسی همخوان-واکه، به‌عنوان نظریه‌ای پس‌ازایشی، می‌پردازد و شیوه واج‌آرایی همخوان‌ها در خوشه‌های دوهمخوانی آغاز و پایانه هجا و همچنین تأثیر واکه هسته هجا در انتخاب همخوان‌های خوشه ناهمانند پایانه را بررسی می‌کند. داده‌های زبانی پژوهش از پیکره زبانی گردآوری‌شده در منطقه گرنچین، از توابع شهرستان خاش در استان سیستان و بلوچستان، استخراج شده است. گردآوری داده‌ها و تدوین پیکره زبانی براساس روش هدفمند، در قالب مصاحبه و گفتار آزاد انجام شده است. جامعه زبانی این پژوهش را ۱۰ گویشور ساکن گرنچین، شامل ۵ زن، و ۵ مرد، از رده‌های سنی متفاوت ۶۰ تا ۸۰ سال و بی‌سواد تشکیل

- 
1. ahangar@english.usb.ac.ir
  2. carina.jahani@lingfil.uu.se
  3. modarresighavami@atu.ac.ir
  4. fsagharichi@yahoo.com

می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که هجا در گویش بلوچی سرحدی گرنجین دارای یک عنصرِ هجایی، یعنی هسته، است که قبل از آن حداکثر سه همخوان و بعد از آن حداکثر دو همخوان می‌توانند واقع شوند. به علاوه، بر واج‌آرایی خوشه‌های دوهمخوانیِ آغاز و پایانه در این گونهٔ زبانی محدودیت‌هایی حاکم است. همچنین، نوع واکهٔ هستهٔ هجا در گزینشِ خوشهٔ پایانه نقش دارد.

**کلیدواژه‌ها:** گویش بلوچی سرحدی گرنجین، واج‌شناسی همخوان-واکه، هجا، آغاز، هسته، پایانه.

## ۱- مقدمه

در این پژوهش میدانی، ساختِ هجا، محدودیت‌های حاکم بر توزیع همخوان‌ها در خوشه‌های دوهمخوانیِ آغاز و پایانه، و تأثیرِ واکهٔ هستهٔ هجا در انتخابِ همخوان‌های خوشهٔ پایانه در گویش بلوچی سرحدی، براساسِ گونهٔ زبانی مردمِ منطقهٔ گرنجین در چارچوبِ نظریهٔ واج‌شناسی همخوان-واکه<sup>۱</sup> بررسی و توصیف می‌شود. منطقهٔ گرنجین، واقع در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خاش در استان سیستان و بلوچستان، حدود ۳۰ روستای بزرگ و کوچک دارد و «مردمانی از قبایلِ شهنوازی، که اصالتاً به یاراحمدزهی و بنا به اعتقادِ برخی به محمدزهی نیز معروفند» (آهنگر، ۲۰۰۷: ۵)، در آنجا زندگی می‌کنند.

زبانِ بلوچی، به گروهِ زبان‌های ایرانی شمالِ غربی تعلق دارد (الفنباين<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹؛ کرن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ جهانی، ۲۰۰۳؛ آرانسکی، ۱۳۸۶؛ جهانی و کرن، ۲۰۰۹). جهانی و کرن (۲۰۰۹) از سه گویشِ بلوچی شرقی، جنوبی، و غربی به‌عنوان گویش‌های اصلی بلوچی یاد می‌کنند، و معتقدند که این تقسیم‌بندی سه‌شاخه‌ای، یک تقسیم‌بندی کلی از گویش‌های بلوچی است که مرزبندی‌های گویشی بیشتری نیز درون آن امکان‌پذیر است. گویش بلوچی سرحدی گرنجین، که این پژوهش به بررسی ساختِ هجا و توزیعِ واج‌های آن اختصاص داده شده است، در گروهِ گویش‌های بلوچی غربی طبقه‌بندی می‌شود.

---

1. cv-phonology theory  
2. J. Elfenbein  
3. A. Korn

در این گویش، ۲۱ واج همخوانی و ۶ واج واکه‌ای، براساس انگاره برکوئست<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، توسط نگارندگان شناسایی شده‌اند که عبارتند از:

p, t, d, t̪, d̪, k, g, s, z, ʃ, ʒ, h, tʃ, dʒ, m, n, r, l, w, j b,	واج‌های همخوانی:
a:, u:, i:	واج‌های واکه‌ای ساده کشیده <sup>۲</sup> :
a, e, o	واج‌های واکه‌ای ساده کوتاه:
iə, uə, ou	واج‌های واکه‌ای مرکب <sup>۳</sup>

برکوئست (همان) به تحلیل واجی مبتنی بر رویکرد نقشی می‌پردازد. براساس انگاره پیشنهادی او، به‌منظور تبیین همخوان‌ها و واکه‌های یک زبان، نخست تمامی داده‌های گردآوری شده بررسی و واحدهای آوایی که احتمال واج بودن آنها در گونه زبانی مورد نظر بیشتر از سایر آواهاست، شناسایی می‌شوند. آواها، پس از استخراج، در جدول آواهای همخوانی و واکه‌ای ارائه می‌شوند و واحدهای آوایی مشابه، یعنی واحدهای آوایی که در برخی مشخصه‌ها، مثلاً جایگاه تولید، مشترک هستند، با توجه به سه نوع رابطه عمده تقابلی، توزیع تکمیلی و گونه آزاد به‌عنوان واج یا واجگونه شناسایی می‌شوند (به‌منظور آشنایی با چگونگی شناسایی فهرست واجی بلوچی سرحدی گرینچین به آهنگر، جهانی، مدرسی قوامی و ساگریچی (۱۳۹۳) مراجعه شود).

پژوهشگران ایرانی و خارجی زیادی ویژگی‌های زبان بلوچی را در حوزه‌های زبانی مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. این بررسی‌ها بیشتر در حوزه نحو و ساختواژه این زبان و گویش‌های آن بوده است، که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های فارل<sup>۴</sup> (۱۹۸۹)، الفنباین (۱۹۸۹) و

1. D. A. Burquest

2. simple long vowels

۳. واکه‌های مرکب مشاهده‌شده در پیکره زبانی مورد بررسی ترکیبی از دو واکه ساده بوده است و ترکیب واکه و

همخوان (w, j) مشاهده نشد.

4. T. Farrell

۱۹۹۰)، باران‌زهی (۲۰۰۳)، پائول<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، جهانی (۲۰۰۳)، محمودی بختیاری (۲۰۰۳)، برجسته‌دل‌فروز (۲۰۰۳)، یوسفیان (۱۳۸۳)، آهنگر (۲۰۰۷)، کرن (۲۰۰۸)، جهانی (۲۰۰۸)، دبیرمقدم (۲۰۰۸)، جهانی و کرن (۲۰۰۹)، و جمال‌زهی (۱۳۹۰) اشاره کرد. از سوی دیگر، در میان بررسی‌های انجام‌شده، بررسی‌های آواشناختی و واج‌شناختی بر روی این زبان و گویش‌های آن تاحدودی اندک است. در این ارتباط، می‌توان پژوهش‌های انجام‌شده توسط الفنباین (۱۹۸۹ و ۱۹۹۰)، باران‌زهی (۲۰۰۳)، سوهانی (۱۳۸۳)، آکسنوف<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، و جهانی و کرن (۲۰۰۹) را نام برد. در این میان، سوهانی (۱۳۸۳)، آکسنوف (۲۰۰۶) و جهانی و کرن (۲۰۰۹) صرفاً به معرفی انواع هجا در زبان بلوچی و گویش‌های آن اکتفا کرده‌اند و به واج‌آرایی و محدودیت‌های حاکم بر آن در گونه‌های زبانی مربوط و یا بررسی ساخت‌هجایی آنها به صورتی نظام‌مند نپرداخته‌اند.

سوهانی (۱۳۸۳) در چارچوب واج‌شناسی زایشی، با رویکردی خطی و غیرخطی، نظام آوایی گویش بلوچی سراوان، گونه‌آبادی بخشان، را توصیف کرده است. وی در این توصیف، ۶ نوع ساخت‌هجا برای این گونه‌زبانی معرفی کرده است که عبارتند از: cv, cvc, cvcc, ccv, ccvc, ccvcc.

آکسنوف (۲۰۰۶) ضمن بررسی ساخت‌نحوی و ساختوازی بلوچی ترکمنستان، نظام واجی این زبان، شامل فهرست واجی، الگوی تکیه، الگوی آهنگ، ساخت‌هجا و ساخت‌واجی وام‌واژه‌ها<sup>۳</sup>، را مورد توصیف قرار داده است. وی در این توصیف، بسته به تعداد و مکان عناصر فرعی و همچنین بسته به توزیع‌شان، برای زبان بلوچی ترکمنستان، ۹ ساخت‌هجایی را معرفی کرده است که عبارتند از: v, vc, vcc, cv, cvc, cvcc, ccv, ccvc, ccvcc.

جهانی و کرن (۲۰۰۹) در اثری مشترک، به توصیف کلی از نحو، ساختواژه و واج‌شناسی گویش‌های زبان بلوچی پرداخته‌اند. آنها، در بخش واجی که بخش اصلی این اثر را تشکیل داده است، در سه زیربخش جداگانه، به اختصار، فهرست واجی، ساخت‌هجا و الگوی تکیه را در گویش‌های بلوچی شرقی، جنوبی، و غربی، بررسی کرده‌اند. در بخش مربوط به ساخت‌هجا، آنها

---

1. L. Paul  
2. S. Axenof  
3. loan words

نیز همانند آکسنوف (۲۰۰۶)، ۹ الگوی هجایی را برای گویش‌های بلوچی معرفی کرده‌اند که عبارتند از: v, vc, vcc, cv, cvc, cvcc, ccv, ccvc, ccvcc.

در ارتباط با تعریف و تشخیص هجا دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. پرمون (۱۳۸۰) معتقد است که برای تعریف هجا می‌توان نظریه‌های موجود را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول نظریه‌هایی که تعاریف ارائه‌شده در آنها براساس ویژگی‌های آواهای گوناگون، نظیر رسایی<sup>۱</sup> (انرژی فیزیکی)، و برجستگی<sup>۲</sup> (ترکیبی از رسایی، کشیدگی<sup>۳</sup>، تکیه<sup>۴</sup>، و زیرومی<sup>۵</sup>)، شکل گرفته‌اند. دسته دوم نظریه‌هایی که بر بنیاد تعاریفی قرار دارند که در آنها به فعالیت‌های اهل زبان توجه شده است، فعالیت‌هایی از قبیل تولید پالس‌های سینه یا سازمان‌دهی مؤلفه‌های پاره‌گفتار (همچنین ر.ک. لده‌فوغد، ۲۰۰۶<sup>۶</sup> و کریستال، ۲۰۰۸<sup>۷</sup>).

مشکوئه‌الدینی (۱۳۸۵) نگره‌داشتن نفس و مکث را عاملی برای تشخیص هجا معرفی می‌کند و معتقد است بدین طریق، کوتاه‌ترین زنجیره واحدهای واجی، یعنی همان هجا، مشخص می‌شود. همچنین می‌توان گفت هجا یک واحد آوایی مرکب است که از یک یا چند واحد زنجیری<sup>۸</sup> و یک یا چند واحد زبرزنجیری<sup>۹</sup> تشکیل شده و ضرورتاً یکی از واحدهای زنجیری آن دست‌کم دارای مختصه هجایی است (حق‌شناس، ۱۳۸۴، لده‌فوغد، ۲۰۰۶). با وجود این، صرف نظر از تعریف هجا، به نظر می‌رسد که اغلب مردم هجاهای سازنده یک واژه یا قطعه‌ای از گفتار زبان خود را به‌خوبی تشخیص می‌دهند، چرا که هجا به‌عنوان یک واقعیت واجی در سطح آگاهی گویشوران بومی هر زبانی قرار دارد (هیز<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۹).

از میان نظریه‌های واج‌شناختی نیز، نظریه‌هایی همچون واج‌شناسی هموندی یا نوایی<sup>۱۱</sup> و واج‌شناسی همخوان-واکه، به‌عنوان نظریه‌های پس‌ازایشی، به‌طور عمده با هجا سروکار دارند (کاتامبا<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۹، کلارک<sup>۱۳</sup> و یلوپ<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۵ و کریستال، ۲۰۰۸). نظریه واج‌شناسی همخوان-واکه، که این پژوهش براساس آن تبیین شده است، رویکرد متفاوتی در مطالعه هجا و بازنمایی

---

1. Sonority  
2. Prominence  
3. Length  
4. Stress  
5. Pitch  
6. P. Ladefoged  
7. D. Crystal

8. segmental element  
9. suprasegmental element  
10. B. Hayes  
11. prosodic phonology  
12. F. Katamba  
13. J. Clark  
14. C. Yallop

آن ارائه می‌دهد. این نظریه را نخستین بار «مک‌کارتی»<sup>۱</sup> به هنگام مطالعه در مورد فرآیندهای ساختاردهی در زبان‌های سامی» مطرح کرده است (کردزعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۸: ۱۰۶). در نظریه همخوان-واکه، درختِ هجا از نمودی سه‌لایه‌ای تشکیل شده است که عبارتند از: لایه هجا، لایه همخوان-واکه (یا لایه مَبنا<sup>۲</sup>) و لایه واجی. این لایه‌ها ویژگی‌های صوری نظام جزء مستقل<sup>۳</sup> را دارا هستند و با استفاده از خطوط پیوندی به یکدیگر مرتبط می‌شوند (کلمنتس<sup>۴</sup> و کایزر<sup>۵</sup>، ۱۹۸۳). لایه همخوان-واکه یا لایه مبنا بیانگر کمیت واج و لایه واجی بیانگر کیفیت واج است. علاوه بر این، لایه مبنا، جایگاه‌های زمان‌مندی را که به دیرش زمانی یک واج مربوط می‌شود، نشان می‌دهد. ضرورت لایه مبنا را می‌توان در تمایز میان واکه‌های کوتاه و کشیده<sup>۶</sup> و برخی واج‌ها مانند انسایشی‌ها که توالی دو واحد واجی هستند، به‌خوبی نشان داد. هریک از لایه‌ها در نظریه همخوان-واکه اصطلاحات خاص خود را دارند:

لایه نخست یا همان لایه هجا تنها از یک عنصر با نماد «σ» تشکیل شده است. لایه دوم یا همان لایه همخوان-واکه از دو عنصر C و v شکل گرفته است و لایه سوم، یا لایه واجی، در بردارنده ماتریس‌های آوایی تک‌ستونی<sup>۷</sup> است که جایگاه همخوان‌ها و واکه‌ها را مشخص می‌سازد. زنجیره‌های خوش‌ساخت در هر لایه، از مجموعه اعضای تشکیل شده است که برای آن لایه تعریف شده‌اند (کلمنتس و کایزر، ۱۹۸۳: ۲۵).

با وجود بازنمایی سه‌لایه‌ای هجا، با گسترش علم واج‌شناسی و اهمیت تبیین فرآیندهای واجی، ساخت سلسله مراتبی هجا یعنی همان تقطیع هجا به آغاز<sup>۸</sup> (O) و قافیه<sup>۹</sup> (R) ضرورت یافت (هیز، ۲۰۰۹). از نظر دوران<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۰) و اسپنسر<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۶)، هجا را می‌توان به آغاز و قافیه تقطیع کرد. دوران (۱۹۹۰) به تعیین تکیه در برخی زبان‌ها (مانند لاتین، که وزن هجای هر کلمه عامل تعیین‌کننده تکیه در آن کلمه است)، خطاهای گفتاری (از جمله جابه‌جایی واج‌ها) و قواعد واج‌آرایی در برخی زبان‌ها (مانند فرانسه) به عنوان سه استدلال برای تقطیع

1. J. McCarthy

2. Skeleton

3. asegmental elements

4. G. N. Clements

5. S. J. Keyser

7. single-column phonetic matrices

8. onset

9. rhyme

10. J. Durand

11. A. Spencer

۶. واکه‌های کشیده را می‌توان با توالی دو جایگاه واکه بر روی لایه مبنا نشان داد که به یک واحد واجی متصل می‌شوند.

هجا به آغازه و قافیه اشاره می‌کند. از طرفی، هسته هجا روی عنصر یا عناصر آغازه تأثیر ندارد بلکه تأثیر آن بر انتخاب همخوان‌های پایانه نیز موجب تقطیع هجا به آغازه و قافیه می‌شود. استدلال‌های به‌کاررفته برای تقطیع هجا به آغازه و قافیه می‌توانند برای توجیه تقسیم قافیه به دو بخش هسته<sup>۱</sup> (N) و پایانه<sup>۲</sup> (C) نیز به‌کار روند (کردزعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

باید دقت کرد که «لازمه وجود هجا، حضور سازه هسته در آن است. به عبارتی، هجا می‌تواند آغازه یا پایانه نداشته باشد (هرچند که نبود پایانه معمول‌تر از نبود آغازه است) ولی حضور هسته در شکل‌گیری آن الزامی است» (هیز، ۲۰۰۹: ۵۱).

در گره آغازه می‌تواند صفر همخوان یا بیشتر وجود داشته باشد. گره پایانه نیز بخش پایانی هجاست که دارای جایگاه‌های همخوانی یا جایگاه‌هایی است که می‌تواند با عناصر واکه‌ای، در گره هسته<sup>۳</sup> موجود در لایه واجی، مرتبط شود. از این‌رو، ساختی که هجا به‌وجود می‌آورد، به لایه مبنا مرتبط می‌شود. به عبارت دیگر، هجا نوعی ساخت سازه‌ای است که به جایگاه‌های موجود در لایه مبنا متصل می‌شود و عناصر موجود در لایه‌های واجی به‌صورت غیرمستقیم به لایه هجا متصل می‌شوند. در حقیقت، لایه مبنا، لایه ارتباطی میان لایه هجا و لایه واجی محسوب می‌شود (کردزعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

## ۲- بررسی و توصیف داده‌ها

در این قسمت، ساخت هجا، انواع آن، شیوه واج‌آرایی همخوان‌ها در خوشه‌های دوهمخوانی آغازه و پایانه هجا و همچنین چگونگی تأثیر واکه هسته هجا در انتخاب همخوان‌های خوشه پایانه در گویش بلوچی سرحدی گرنچین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

1. nucleus

2. coda

۳. در گره هسته می‌توان شاهد حضور واکه ساده، واکه کشیده و یا واکه مرکب بود. البته در برخی از زبان‌ها ممکن است یکی از همخوان‌های خیشومی یا روان مشخصه هسته هجا را دارا شوند و قله هجا را تشکیل دهند، مانند زبان انگلیسی (هیز، ۲۰۰۹).

## ۲-۱- ساختِ هجا

با توجه به اینکه هجای CV بی‌نشان‌ترین ساخت هجاست یا، به عبارت دیگر، در دستور همهٔ زبان‌ها وجود دارد (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۴)، می‌توان از طریق حذف و یا درج همخوان(ها) در آغاز یا پایانه، به ساخت‌های هجایی گوناگونی دست یافت. بر این اساس و بر پایهٔ پیکره‌های زبانی گردآوری‌شده، ۱۱ نوع هجا (که ۲ ساختِ هجا به‌دلیل حضور پیشوند امری/ التزامی است) در گویش بلوچی سرحدی گرنچین مشاهده شده است که عبارتند از:

cccv<sup>1</sup>, cccvc<sup>2</sup> v, vc, vcc, cvc, cvcc, ccv, ccvc, ccvcc, cv,

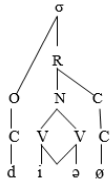
در ادامه، به ماهیت این هجاها و ارائهٔ نمونه‌هایی از پیکرهٔ زبانی مربوط پرداخته می‌شود:

### الف- ساختِ هجای CV:

در این ساخت، هجا متشکل از یک همخوان و یک واکه است.

(۱):

a) /ʃa/ «از»



b) /diə/ «هیولا، دیو»



c) /zi:/ «دیروز»

لایه هجا

لایه مینا

لایه واج

### ب- ساختِ هجای CV:

در این ساخت، در جایگاه آغاز هجا CV همخوانی به‌کار نرفته است.

۱. این ساخت تنها در وجه امری و التزامی مشاهده شده است که در آن پیشوند /b-/ به ابتدای خوشهٔ دوهمخوانی آغاز اضافه شده است.

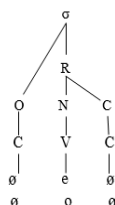
۲. این ساخت تنها در وجه امری و التزامی مشاهده شده است که در آن پیشوند /b-/ به ابتدای خوشهٔ دوهمخوانی آغاز اضافه شده است.

۳. علاوه بر شنود گوشه، بررسی‌های آکوستیکی انجام‌شده، با استفاده از نرم‌افزار پرت (praat) توسط نگارندگان، نیز نبود انسدادی چاکنایی /ʔ/ را در هجاهایی که با واکه شروع شده‌اند، به اثبات رسانده است (ر.ک. پیوست (۱)).



(۲):

- a) /ɑ:/ «آن، او»      b) /o/ «و (حرف ربط)»      c) /e/ «این»



لایه هجا

لایه مینا

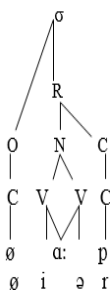
لایه واج

### ج- ساختِ هجای vc:

در این ساخت، در جایگاه آغازۀ هجای CV همخوانی به کار نرفته است و در پایانهٔ هجای CV همخوانی درج شده است.

(۳):

- a) /ɑ:p/ «آب»      b) /iɑr/ «پایین، زیر»      c) /ɑd/ «محکم، آماده، تهیه»



لایه هجا

لایه مینا

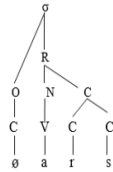
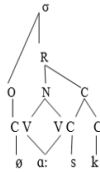
لایه واج

### د- ساختِ هجای vcc:

در این ساخت، در جایگاه آغازۀ هجای CV همخوانی به کار نرفته است و با درجِ خوشۀ دوهمخوانی در پایانهٔ هجای CV، می‌توان به این ساخت هجا رسید.

(۴):

- a) /ɑ:sk/ «آهو»      b) /ars/ «اشک»      c) /aps/ «اسب»



لایه هجا

لایه مینا

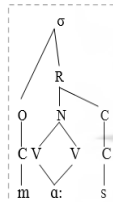
لایه واج

ه- ساختِ هجای cvc:

این ساخت با درج یک همخوان در پایانه هجای cv ساخته شده است.

(۵):

- a) /ges/ «خانه»      b) /pas/ «گوسفند»      c) /ma:s/ «مادر»



لایه هجا

لایه مینا

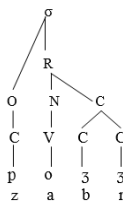
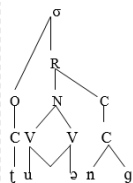
لایه واج

و- ساختِ هجای cvcc:

با درج خوشه دوهمخوانی در پایانه هجای cv، هجای cvcc به وجود آمده است.

(۶):

- a) /tʌŋg/ «زانو»      b) /pɒʒʒ/ «دستگیره»      c) /zabr/ «خوب»



لایه هجا

لایه مینا

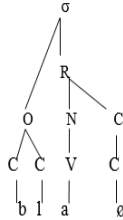
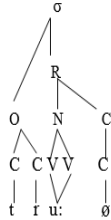
لایه واج

ز - ساختِ هجای **ccv**:

این ساخت با درج یک همخوان در آغازه هجای CV، شکل گرفته است.

(۷):

- a) /tru:/ «خاله، عمّه»      b) /bla/ «تپّه»



لایه هجا

لایه مینا

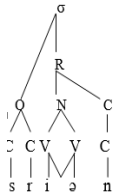
لایه واج

ح - ساختِ هجای **ccvc**:

این ساخت با درج یک همخوان در آغازه و پایانه هجای CV به وجود آمده است.

(۸):

- a) /sriən/ «کَمَر»      b) /glet/ «تیکل»      c) /gwan/ «نوعی پسته»



لایه هجا

لایه مینا

لایه هجا

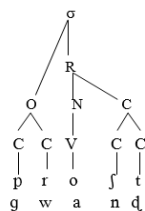
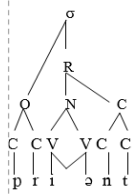
ط - ساختِ هجای **ccvcc**:

با درج یک همخوان و یک خوشه دوهمخوانی در آغازه و پایانه هجای CV، می توان شاهد حضور

ساختِ **ccvcc** بود.

(۹):

- a) /priənt/ «انداخت»      b) /proft/ «شکست»      c) /gwand/ «ریز»



لایه هجا

لایه مینا

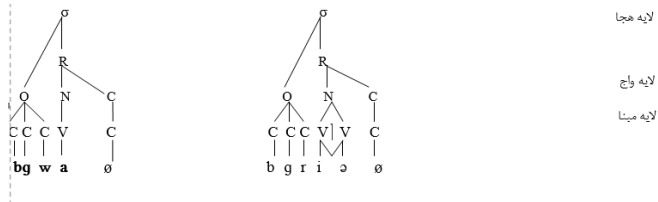
لایه واج

ی - ساختِ هجای **cccv**:

با درج خوشهٔ دوهمخوانی در آغاز هجای CV، این ساخت به وجود آمده است.

(۱۰):

- a) /bgwa.ʃiən/ «بگویم»      b) /bgrɪə/ «گریه بکن!»

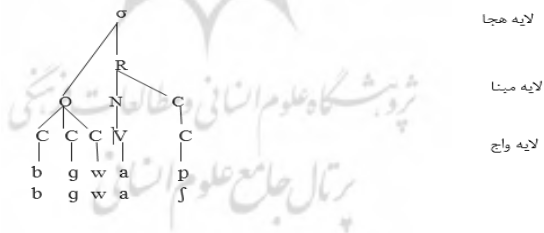


ک - ساختِ هجای **cccv**:

این ساخت با درج خوشهٔ دوهمخوانی و یک همخوان، به ترتیب، به آغاز و پایانهٔ هجای CV، ساخته شده است.

(۱۱):

- a) /bgwap!/ «بباف!»      b) /bgwaʃ.tiə.non/ «گفته باشم»



۲-۲ - توزیع همخوان‌ها در خوشه‌ها

در این قسمت از پژوهش، محدودیت‌های حاکم بر توزیع همخوان‌ها در خوشه‌های دوهمخوانی آغاز و پایانه در ساختِ هجا بررسی می‌شود.

## ۲-۲-۱- خوشه‌های دوهمخوانی آغاز

با توجه به پیکره زبانی گردآوری شده، خوشه‌های دوهمخوانی آغاز<sup>۱</sup> در گویش بلوچی سرحدی گرنچین عبارتند از:

(۱۲):

معدّل فارسی	واژه بلوچی	خوشه‌های دوهمخوانی	معدّل فارسی	واژه بلوچی	خوشه‌های دوهمخوانی
«نیکل»	/gletʃ/	/gl-/	«گشاد»	/pra:h/	/pr-/
«باد»	/gwa:f/	/gw-/	«بیچان!»	/pliətʃ/	/pl-/
«دارویی گیاهی»	/pon.tɾu:k/	/tɾ-/	«بده!»	/bde/	/bd-/
«سپند»	/span.ta:n/	/sp-/	«بکوب!»	/bkott/	/bk-/
«اسماعیل»	/sma:.il/	/sm-/	«بین!»	/bgend/	/bg-/
«کمر»	/sriən/	/sr-/	«بسوز!»	/bsuətʃ/	/bs-/
«سوار»	/swa:r/	/sw-/	«بدان»	/bza:n/	/bz-/
«سیاه»	/sjah/	/sj-/	«بشور!»	/bʃuəd/	/bʃ-/
«زمین»	/zmi:n/	/zm-/	«بخند!»	/bhend/	/bh-/
«حرارت»	/zra:b/	/zr-/	«بین!»	/btʃa:r/	/btʃ-/
«زبان»	/zwa:n/	/zw-/	«بزن!»	/bdʒan/	/bdʒ-/
«زمین خرم»	/ʃpa:t/	/ʃp-/	«بشین!»	/bnend/	/bn-/
«مریضی زنانه»	/ʃkandʒ/	/ʃk-/	«برادر»	/bra:s/	/br-/
«شما»	/ʃma:/	/ʃm-/	«بالا»	/bla/	/bl-/
«اسم خاص»	/ʃna:s/	/ʃn-/	«بخواب»	/bwaps/	/bw-/
«نام آوا»	/ʃlap/	/ʃl-/	«می‌آمدم»	/bjah.ti:.je.no(n)/	/bj-/

۱. شایان ذکر است که برخی از این خوشه‌ها در وام‌واژه‌ها مشاهده شده‌اند مانند خوشه /kt-/ در واژه /kta:b/ و /kʃa:warz/ در /kʃ-/

۲. در این گویش می‌توان در بعضی موارد شاهد حضور پدیده «التقای واکه‌ها» (hiatus)، یعنی حضور دو واکه کنار هم در مرز دو هجا، نیز بود. مانند: /mol.la:ok/ «پروانه»، /ta:i:t/ «دعا»، /ba:ed/ «باید» و ...

/tr-/	/tru:/	«خاله، عمّه»	/ʃw-/	/ʃwa:nag/	«چوپان»
/tl-/	/tla:r/	«گردنه کوه»	/ʒl-/	/ʒli:ng ʒli:ng/	«نام‌آوا»
/tw-/	/twa:n.ten/	«توانستن»	/hr-/	/hriəz/	«علف هرز»
/dr-/	/drahtʃ/	«درخت»	/hw-/	/hwa:d/	«تمک»
/dl-/	/dliər/	«شجاع»	/tʃr-/	/tʃra:g/	«چراغ»
/dw-/	/dwa:z.dah/	«دوازده»	/tʃl-/	/tʃli:m/	«قلیان»
/kʃ-/	/kʃap korten/	«شکستن»	/dʒr-/	/dʒra:b/	«جوراب»
/kr-/	/kruəs/	«خروس»	/dʒw-/	/dʒwa:n/	«عالی، خوب»
/kl-/	/kliər/	«سوسمار»	/mn-/	/mnend/	«بشین»
/kw-/	/kwak kwak/	«نام‌آوا»	/mr-/	/mra:d/	«آرزو»
/gt-/	/gtesm/	«وَجَب»	/np-/	/npa:d/	«رختخواب»
/gd-/	/gda:m/	«چادر سیاه»	/nm-/	/nmi:s/	«بنویس!»
/gh-/	/gha:n.sag/	«خمیازه»	/nw-/	/nwa:.sag/	«نوه»
/gr-/	/gra:n/	«سنگین»			

در ادامه، توزیع همخوان‌ها در جایگاه‌های آغازی (عضو اولِ خوشهٔ دوهمخوانی آغازه) و پس‌آغازی (عضو دومِ خوشهٔ دوهمخوانی آغازه)، در خوشه‌های دوهمخوانی آغازه، در جدول (۱) نشان داده می‌شود. در این جدول، واحه‌های ستونِ عمودی در جایگاهِ آغازی و واحه‌های ستونِ افقی در جایگاهِ پس‌آغازی واقع شده‌اند.

جدول ۱- خوشه‌های دوهمخوانی آغاز

	p	b	t	d	k	g	ʈ	ɖ	s	z	ʃ	ʒ	h	tʃ	dʒ	m	n	r	l	j	w	
p																		*	*			
b				*	*	*			*	*	*		*	*	*		*	*	*	*	*	*
t																		*	*		*	
d																		*	*		*	
k			*				*				*							*	*		*	
g			*	*									*					*	*		*	
ʈ																		*				
ɖ																						
s	*															*		*		*	*	
z																*		*			*	
ʃ	*				*											*	*		*		*	
ʒ																			*			
h																		*			*	
tʃ																		*	*			
dʒ																		*			*	
m																	*	*				
n	*															*					*	
r																						
l																						
j																						
w																						

با توجه به آنچه در جدول (۱) نشان داده شده است، توزیع یا آرایش دو همخوان در خوشه آغاز (در جایگاه آغازی و پس‌آغازی) از ترکیبات واجی زیر تبعیت می‌کند:

۱. همخوان /p/ فقط قبل از همخوان‌های لرزان /t/ و کناری /l/ ظاهر می‌شود.
۲. همخوان /b/ با توجه به کاربرد ساختوازی‌اش به‌عنوان پیشوند امری‌ساز و نشانه التزامی (مضارع و ماضی) قبل از همخوان‌های /d, k, g, s, z, ʃ, h, tʃ, dʒ, n, l, r, w, j/ می‌تواند ظاهر شود.
۳. همخوان /t/ فقط قبل از همخوان‌های /r, l, w/ ظاهر می‌شود.
۴. همخوان /d/ فقط قبل از همخوان‌های /r, l, w/ ظاهر می‌شود.

۵. همخوان /k/ فقط قبل از همخوان‌های /t, tʃ, r, l, w/ واقع می‌شود.
۶. همخوان /g/ فقط قبل از همخوان‌های /t, d, h, r, l, w/ واقع می‌شود.
۷. همخوان /t/ فقط قبل از همخوان /r/ ظاهر می‌شود.
۸. همخوان /d/ قبل از هیچ همخوانی واقع نمی‌شود.
۹. همخوان /s/ فقط قبل از همخوان‌های /p, m, r, w, j/ واقع می‌شود.
۱۰. همخوان /z/ فقط قبل از همخوان‌های /m, r, w/ واقع می‌شود.
۱۱. همخوان /ʃ/ فقط قبل از همخوان‌های /p, k, m, n, l, w/ واقع می‌شود.
۱۲. همخوان /ʒ/ فقط قبل از همخوان‌های /l/ واقع می‌شود.
۱۳. همخوان /h/ فقط قبل از همخوان‌های /r, w/ واقع می‌شود.
۱۴. همخوان /tʃ/ فقط قبل از همخوان‌های /r, l/ واقع می‌شود.
۱۵. همخوان /dʒ/ فقط قبل از همخوان‌های /r, w/ واقع می‌شود.
۱۶. همخوان /m/ فقط قبل از همخوان‌های /n, r/ واقع می‌شود.
۱۷. همخوان /n/ فقط قبل از همخوان‌های /p, m, w/ واقع می‌شود.
۱۸. همخوان‌های /r, l, j, w/ قبل از هیچ همخوانی واقع نمی‌شوند.

با توجه به موارد فوق، مشاهده می‌شود که شیوه آرایش دو همخوان در خوشه دوهمخوانی  
آغاز، در گویش بلوچی سرحدی گرنچین، تابع ضوابط خاصی به شرح زیر است:

۱. خوشه دوهمخوانی آغاز نمی‌تواند از دو واج همانند مانند /.../ pp, bb, ll, ww/ تشکیل شود.
۲. واج‌های ناهمسان هم‌جایگاه که شیوه تولید یکسان نیز دارند، مانند /.../ pb, td, tʃdʒ/ هیچ‌گاه درون خوشه دوهمخوانی آغاز در کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند.
۳. واج‌های /d, r, l, j, w/ در جایگاه عضو اول خوشه آغاز واقع نمی‌شوند. در بین این همخوان‌ها واج /d/ در جایگاه عضو دوم خوشه آغاز نیز نمی‌تواند واقع شود.
۴. به جز واج‌های /r, l, j, w/ واج‌هایی با شیوه تولید یکسان، معمولاً در خوشه‌های آغاز واقع نمی‌شوند. اما، مواردی دیده شده است که چنین واج‌هایی توانسته‌اند درون خوشه‌های دوهمخوانی آغاز به کار روند، مانند واج انسدادی /b/ که همراه با واج‌های



انسدادی /d, k, g/ به کار رفته است. واج /b/ در این ترکیبات واجی، نقش ساختواژی دارد، یعنی به عنوان پیشوند فعل امرساز و یا وجه التزامی نما ایفای نقش می کند. به علاوه، واج انسدادی /g/ نیز همراه با واج های انسدادی /t, d/ به کار رفته است.

۵. واج های مختلف دارای بسامد وقوع متفاوت هستند. تعدادی از آنها بسامد وقوع بالایی دارند، مانند /b, r, l, w/ در میان این واج ها، واج /b/ در جایگاه آغازی خوشه دوهمخوانی، بیشترین بسامد وقوع را به خود اختصاص داده است. در واقع، این واج در بیشتر بافت های خوشه ای ذکر شده کاربرد ساختواژی دارد. از طرف دیگر، واج /r/ واج /w/ و سپس واج /l/ (به ترتیب) بیشترین بسامد وقوع را در جایگاه پس آغازی دارند. به علاوه، جدای از واج های پربسامد، بعضی از واج ها در خوشه های دوهمخوانی آغازه مانند /ʒ/ حداقل وقوع را دارند و بعضی دیگر مانند /d/ فاقد وقوع هستند.

## ۲-۲-۲- خوشه های دوهمخوانی پایانه

براساس پیکره زبانی گردآوری شده، خوشه های دوهمخوانی پایانه<sup>۱</sup> در گویش بلوچی سرحدی گرنجین در شماره (۱۳) ارائه شده است. همچنین، به منظور بررسی تأثیر واکه هسته بر خوشه های پایانه ناهمانند در هجای CVCC داده های مربوط نیز اضافه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. شایان ذکر است که خوشه هایی مانند /-tn/, /-ʃn/, /-ks/, /-zd/, /-ns/, /-hs/, /-dʒz/, /-dʒr/, /-md/, /-mr/ و /-rʃ/ به ترتیب در وام واژه های /matn/ «متن»، /dʒaʃn/ «چشن»، /wa:ks/ «واکس»، /mozd/ «أجرت»، /dʒens/ «جنس»، /nahs/ «شوم»، /adʒz/ «عجز»، /zadʒr/ «عذاب»، /hamd/ «حمد»، /omr/ «عمر» و /arʃ/ «عرش» مشاهده شده اند که بدون تغییر وارد این گویش شده اند. بنابراین از ذکر آنها در میان خوشه های دوهمخوانی پایانه موجود در واژگان بلوچی سرحدی گرنجین صرف نظر شده است.

(۱۳):

خوشه دو- همخوانی پایانه	واژه بلوچی	معادل فارسی	خوشه دو- همخوانی پایانه	واژه بلوچی	معادل فارسی
/-pp/	/tapp/	«زخم»	/-tp/	/lotp/	«لطف»
/-pt/	/wapt/	«خوابید»	/-tk/	/matk/	«مرغ تخم‌گذار»
	/gept/	«گرفت»		/pu:tk/	«سیاه»
/-ps/	/aps/	«اسب»	/-tm/	/hatm/	«ختم»
/-pr/	/kopr/	«کُفر»	/-tr/	/wetr/	«پوتر (نماز)»
/-pl/	/tepl/	«طفل»	/-tl/	/ketl/	«کتری»
/-bb/	/tʃabb/	«گوشتِ سفت»	/-dd/	/hadd/	«زردیک»
/-bz/	/labz/	«گوش»	/-dr/	/nadr/	«عزیز»
/-br/	/zabr/	«خوب»	/-tt/	/latt/	«چوب»
/-bl/	/nabl/	«نماز نافله»	/-tk/	/tʃa.patʃk/	«نام‌آوا (شرق شرق)»
	/kobl/	«قفل»	/-dd/	/haɖd/	«استخوان»
/-tt/	/batt/	«مرغابی»		/soht/	«سوخت»
/-kk/	/tʃokk/	«بوسه»		/ruətʃ da.raht/	«مشرق، طلوع»
/-kd/	/akd/	«عقد»	/-hd/	/wahd/	«وقت»
/-ks/	/raks/	«رقص»	/-hk/	/pahk/	«پاک»
/-kf/	/pakf/	«پخش»		/biə tohk/	«بی‌جان‌وتوان»
/-kr/	/pekr/	«فکر»	/-hg/	/zahg/	«بچه»
/-kl/	/nokl/	«نقل»	/-hf/	/bahf/	«بخشش، بخش»
/-gg/	/bagg/	«گله شتر»	/-htf/	/drahtf/	«درخت»
/-gd/	/dʒogd/	«جغد»	/-hm/	/zahm/	«شمشیر»
/-ss/	/pess/	«پدر»		/tohm/	«دانه»
/-sp/	/wasp/	«خواب»	/-hn/	/grehn/	«گره»
/-st/	/dʒest/	«فرار کرد»	/-hr/	/zahr/	«قهر»
	/ɑ:post/	«حامله»		/sohr/	«سرخ»
	/di:st/	«دید»	/-hl/	/dʒahl/	«پایین»
/-sk/	/ma.kesk/	«مگس»		/dʒohl/	«عمیق، ژرف»

	/ba:sk/	«سبد»	/-mp/	/komp/	«قوزپشت»
	/pi:tuæsk/	«آبله»		/lemp/	«آب بینی»
/-sm/	/gtesm/	«وَجَب»	/-mb/	/gomb/	«گَم»
/-sl/	/nasl/	«اصل و نژاد»	/-mk/	/komk/	«خرمای نارس»
/-zz/	/bazz/	«غلیظ»	/-ms/	/ʃams/	«توعی طلا»
/-zq/	/tazq/	«حیوان وحشی»	/-mm/	/tʃamm/	«چشم»
/-ʃʃ/	/haʃʃ/	«آسیاب دستی»	/-nt/	/zu:rant/	«برمی دارند»
/-ʃp/	/troʃp/	«ترش»		/di:ga.rent/	«عصر»
/-ʃt/	/ruətʃ neʃt/	«غروب»		/pont.ru:k/	«دانه گیاه»
	/lu:ʃt/	«لخت»	/-nd/	/ʒand/	«خسته»
	/buəʃt/	«بمان!»		/dʒend/	«خود»
/-ʃk/	/reʃk/	«شیش»		/sond/	«سبد»
	/moʃk/	«موش»	/-nt/	/sant/	«عقیم، نازا»
	/har.guəʃk/	«خرگوش»		/lonʃ/	«لب»
/-ʃm/	/heʃm/	«خشم»		/kal.mə:nt/	«پیردختر»
/-ʒʒ/	/poʒʒ/	«دستگیره»		/dʒu:nt/	«تاب بازی»
/-tʃk/	/tatʃk/	«پهن کردن»		/puənt/	«بلال»
	/a.ni:tʃk/	«ارنج»	/-nd/	/kand/	«چاله»
/-tʃtʃ/	/potʃtʃ/	«لباس»		/la.bond/	«باسن»
/-dʒg/	/madʒg/	«مغز»		/lu:nd/	«خرابه»
/-dʒdʒ/	/godʒdʒ/	«لُپ»		/luənd/	«صورت دراز»
/-hb/	/sohb/	«صبح»		/lound/	«مرد لا ابالی»
/-ht/	/wəʃ.fəht/	«سلام»	/-nz/	/danz/	«گردوخاک»
	/ʃenz/	«خار»	/-rk/	/kark/	«میوه نارس»
	/pu:nz/	«بینی»		/wa.serk/	«پدرزن»
					«پدرشوهر»
	/siənz.dəh/	«سیزده»		/pe.ta:rk/	«ناپدری»
/-nʒ/	/gə:nʒ/	«نام‌آوا (سروصدای گوسفند)»		/si:rk/	«سیر خوراکی»

	/bu:nɜ/	«موی ریخته‌شده در صورت»		/kuərk/	«سنگ پا»
/-ntf/	/santf/	«انبر»	/-rg/	/be.zerg/	«اسم زنانه»
	/la:ntf/	«کشتی بزرگ»		/a:p morg/	«آردک»
/-ndɜ/	/gandɜ malek	«اسم زنانه»	/-rz/	/parɜ/	«نماز فرض»
/-nn/	/dʌnn/	«بیرون»		/borɜ/	«قله، جای بلند»
/-nk/	/dɒnk/	«کلوخ»	/-rtf/	/zɑ:rtf/	«گیاه دارویی»
	/ruə.ti:nk/	«روده»		/li:rtf o pi:rtf/	«له»
	/pa:luənk/	«پهلوی»	/-rdɜ/	/hardɜ/	«خرج»
/-ng/	/sa:ng/	«خواستگاری»	/-rr/	/gorr/	«سیب آدم»
	/tuəng/	«زانو»	/-lp/	/kalp/	«انسان تنبل»
/-rp/	/tʃarp/	«چرب»		/ham.zɒlp/	«باجناق»
/-rt/	/guə.kort/	«گوگرد»	/-lb/	/galb/	«قلب»
	/wɑ:rt/	«خورد»	/-lt/	/es.pa:lt/	«آسفالت»
/-rd/	/dɑ:r.zard/	«زرده‌چوبه»	/-ld/	/dɜald/	«رام، اهلی»
	/ta.gerd/	«حصیر»	/-lk/	/halk/	«روستا»
	/lord/	«آب آلوده»	/-ll/	/boll/	«تاج خروس»
/-rt/	/dɑ:rt/	«انسان تنومند»			
	/ha.ra:n.ti:rt/	«سیاه‌سرفه»			

براساس داده‌های زبانی فوق، توزیع واج‌ها در جایگاه‌های پیش‌پایانی (عضو اول خوشه دوهمخوانی پایانه) و پایانی (عضو دوم خوشه دوهمخوانی پایانه) در جدول (۲) نشان داده شده است. در این جدول، واج‌های ستون عمودی در جایگاه پیش‌پایانی و واج‌های ستون افقی در جایگاه پایانی خوشه‌های دوهمخوانی پایانه واقع شده‌اند:

جدول ۲- خوشه‌های دوهمخوانی پایانه

	p	b	t	d	k	g	t̪	d̪	s	z	ʃ	ʒ	h	tʃ	dʒ	m	n	r	l	j	w
p	*		*						*									*	*		
b		*								*									*	*	
t	*		*		*											*		*	*		
d				*															*		
k				*	*				*		*								*	*	
g				*		*															
t̪					*		*														
d̪					*			*													
s	*		*		*				*							*				*	
z						*				*											
ʃ	*		*		*						*					*					
ʒ													*								
h		*	*	*	*	*					*		*	*	*	*	*	*	*	*	
tʃ					*									*							
dʒ						*									*						
m	*	*			*				*							*					
n			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
r	*		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
l	*	*	*	*	*															*	
j																					
w																					

با توجه به آنچه در جدول شماره (۲) آمده است، شیوه آرایش و رابطه بین همخوان‌ها در خوشه

پایانه (پیش‌پایانی و پایانی) را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. همخوان /p/ قبل از همخوان‌های /p, t, s, r, l/ ظاهر می‌شود.
۲. همخوان /b/ قبل از همخوان‌های /b, z, r, l/ ظاهر می‌شود.
۳. همخوان /t/ قبل از همخوان‌های /p, t, k, m, r, l/ ظاهر می‌شود.
۴. همخوان /d/ قبل از همخوان‌های /d, r/ ظاهر می‌شود.

۵. همخوان /k/ قبل از همخوان‌های /d, k, s, ʃ, r, l/ ظاهر می‌شود.
۶. همخوان /g/ قبل از همخوان‌های /d, g/ ظاهر می‌شود.
۷. همخوان /t/ قبل از همخوان‌های /k, t/ ظاهر می‌شود.
۸. همخوان /d/ قبل از همخوان‌های /k, d/ ظاهر می‌شود.
۹. همخوان /s/ قبل از همخوان‌های /p, t, k, s, m, l/ ظاهر می‌شود.
۱۰. همخوان /z/ قبل از همخوان‌های /g, z/ ظاهر می‌شود.
۱۱. همخوان /ʃ/ قبل از همخوان‌های /p, t, k, m, ʃ/ ظاهر می‌شود.
۱۲. همخوان /ʒ/ فقط قبل از خودش به کار می‌رود و قبل از همخوان‌های دیگر ظاهر نمی‌شود.
۱۳. همخوان /h/ قبل از همخوان‌های /b, t, d, k, g, ʃ, tʃ, m, n, r, l/ ظاهر می‌شود.
۱۴. همخوان /tʃ/ قبل از همخوان‌های /k, tʃ/ ظاهر می‌شود.
۱۵. همخوان /dʒ/ قبل از همخوان‌های /g, dʒ/ ظاهر می‌شود.
۱۶. همخوان /m/ قبل از همخوان‌های /p, b, k, s, m/ ظاهر می‌شود.
۱۷. همخوان /n/ قبل از همخوان‌های /t, d, k, g, t, d, z, ʒ, tʃ, dʒ, n/ ظاهر می‌شود.
۱۸. همخوان /r/ قبل از همخوان‌های /p, t, d, k, g, t, z, ʃt, dʒ, r/ ظاهر می‌شود.
۱۹. همخوان /l/ قبل از همخوان‌های /p, b, t, d, k, l/ ظاهر می‌شود.
۲۰. همخوان‌های /j/ و /w/ نه قبل از خودشان و نه قبل از هیچ همخوان دیگری ظاهر نمی‌شوند.

با توجه به نوع همخوان‌هایی که در جایگاه پیش‌پایانی و پایانی در خوشه‌های دوهمخوانی پایانه کنار هم قرار گرفته‌اند، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. در خوشه‌های پایانه به جز واج‌های /h, j, w/ واج‌های یکسان دیگر، می‌توانند کنار یکدیگر واقع شوند، مانند: /bb, ʃʃ, tt/...
۲. همخوان /r/ بیشترین وقوع را در جایگاه پیش‌پایانی و همخوان /k/ بیشترین وقوع را در جایگاه پایانی دارد. واج‌هایی مانند /h, n/ (در جایگاه پیش‌پایانی) و /d, r, l/ (در جایگاه پایانی) نیز از میزان وقوع بالایی برخوردار هستند، واج /ʒ/ در جایگاه پیش‌پایانی فقط یک وقوع دارد و واج‌هایی مانند /j, w/ در هیچ جایگاه وقوعی ندارند.

۳. واج /h/ در جایگاه پایانی خوشه‌های دوهمخوانی پایانه، هیچ وقوعی ندارد.

۴. واج‌های /d, ʒ/ از کمترین میزان وقوع در جایگاه پایانی خوشه‌های دوهمخوانی پایانه، برخوردارند.

به‌علاوه، با در نظر گرفتن تأثیر هسته هجا بر ترکیب واجی خوشه‌های دوهمخوانی ناهمانند در پایانه هجا در گویش بلوچی سرحدی گرنچین، هجای CVCC به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج زیر حاصل شده است:

۱- از میان ۲۱ همخوان موجود در فهرست واجی گویش بلوچی سرحدی گرنچین (ر.ک. شماره ۱۳)، ۱۳ همخوان<sup>۱</sup> در خوشه پایانه بعد از واکه‌های /a:, u:, i:/ مشاهده می‌شود که از بین آنها ۵ همخوان /s, ʃ, n, r, l/ در جایگاه آغازی، ۶ همخوان گرفته<sup>۲</sup> /t, d, k, g, z, ʒ/ در جایگاه پیش‌آغازی و ۲ همخوان گرفته<sup>۳</sup> /t, tʃ/ هم در جایگاه آغازی و هم در جایگاه پیش‌آغازی خوشه به‌کار رفته‌اند. با توجه به این نکته که همخوان‌های گرفته (انفجاری‌ها، سایشی‌ها و انسایشی‌ها) دارای مشخصه ممیز [-رسا] و همخوان‌های ناسوده [+رسا] هستند، قاعده سلسله مراتب رسایی<sup>۴</sup> در خوشه همخوانی پایانه، به‌جز خوشه /-tʃk/ در کلمه /a.nitʃk/ «آرنج»، در هجایی که واکه هسته آن /a:, u:, i:/ است، رعایت شده است، به‌گونه‌ای که درجه رسایی از هسته به سمت دامنه رو به کاهش می‌نهد.

در هجاهایی با هسته /a, e, o/ به جز دو واج /w/ و /ʒ/، سایر همخوان‌های گویش بلوچی سرحدی گرنچین در خوشه پایانه انتخاب می‌شوند. از سوی دیگر، داده‌های زبانی نشان

---

۱. از همخوان‌های موجود در خوشه پایانه در وام‌واژه‌های بدون تغییر در گویش بلوچی سرحدی گرنچین صرف نظر شده است.

2. obstruent

3. sonorant

۴. در ساخت هجا، جایگاه هسته از بیشترین میزان رسایی (sonarity) برخوردار است. در نتیجه، هرچه از هسته دورتر و به سمت دامنه‌ها (آغاز و پایانه) نزدیک‌تر شویم، میزان رسایی کاهش می‌یابد. میزان رسایی با درجه همخوانی بودن (degree of consonantality) واج‌های همخوانی ارتباط تنگاتنگی دارد. هرچه درجه همخوانی بیشتر باشد، میزان رسایی کمتر است. بر این اساس، سلسله مراتب درجه همخوانی بودن انواع گروه‌های همخوانی به‌صورت زیر نشان داده می‌شود:

انسایشی‌ها < انفجاری‌های بی‌واک < انفجاری‌های واک‌دار < سایشی‌های بی‌واک < سایشی‌های واک‌دار < خیشومی‌ها < کناری‌ها < زنشی‌ها < غلت‌ها/واکه‌های افراشته < واکه‌های میانه < واکه‌های افتاده (برکوئست، ۲۰۰۱).

می‌دهند که پس از این واکه‌ها: (الف) همخوان‌های [+رسا] شامل خیشومی‌ها و روان‌ها، هم به‌عنوان عضوِ اوّل و هم به‌عنوان عضوِ دوّم پایانه می‌توانند پس از همخوان‌های گرفته به‌کار روند، مانند: /-tm/، /-rk/ و ...، و (ب) همخوان‌های گرفته با درجهٔ همخوانی بودن بیشتر نیز در خوشهٔ پایانه به‌عنوان عضوِ اوّل خوشه می‌توانند به‌کار روند، مانند: /-bz/، /-kʃ/ و ... . بنابراین پس از واکه‌های /a, e, o/ در هسته، اصل سلسله مراتبِ رسایی در هجای CVCC، در برخی خوشه‌ها رعایت نشده است.

۲- هرگاه در خوشهٔ همخوانی بعد از واکه‌های /a:, u:, i:/ دو همخوان [-رسا] با هم انتخاب شوند، حتماً در مشخصهٔ ممیز [-واک] مشترک خواهند بود. این قاعده در موردِ خوشهٔ پایانه با هستهٔ /a, e, o/ نیز به‌جز خوشهٔ /-hb/ در کلمهٔ /sohb/ «صبح»، صدق می‌کند.

۳- همخوان چاکنایی /h/ در خوشهٔ پایانه با هستهٔ /a, e, o/ ظاهر می‌شود ولی در خوشهٔ پایانه با هستهٔ /a:, u:, i:/ ظاهر نمی‌شود.

۴- در هجای CVCC اگر هسته یکی از واکه‌های /a:, u:, i:/ باشد، همخوان خیشومی در خوشهٔ پایانه در جایگاه پایانی انتخاب نمی‌شود. اما بعد از واکه‌های /a:, u:, i:/ در خوشهٔ همخوانی پایانه همخوان خیشومی هم در جایگاه پیش‌پایانی و هم در جایگاه پایانی انتخاب می‌شود.

۵- از میان ۲۱ همخوان موجود در فهرستِ واجی گویشِ بلوچی سرحدی گرنچین (ر.ک. شمارهٔ ۱۳)، ۱۰ همخوان در خوشهٔ پایانه بعد از واکه‌های مرکب /iə, uə/ مشاهده می‌شوند که از بین آنها ۵ همخوان /s, ʃ, n, r/ در جایگاه پایانی و ۵ همخوان گرفتهٔ /t, ʈ, d, k, g, z/ در جایگاه پیش‌پایانی خوشه ظاهر شده‌اند. در این خوشه‌ها قاعدهٔ سلسله مراتبِ رسایی رعایت شده است و درجهٔ رسایی از هسته به سمتِ دامنه کاهش یافته است. همچنین، دو همخوان [-رسا] در چنین خوشه‌هایی، حتماً در مشخصهٔ ممیز [-واک] مشترک هستند. اما در داده‌های زبانی دارای واکهٔ مرکب /ou/ خوشهٔ به‌کاررفته پس از این واکه خوشهٔ /-nd/ بوده است که در این خوشه نیز اصل سلسله مراتبِ رسایی رعایت شده است.



### ۳- نتیجه‌گیری

در آنچه گذشت، ساختِ هجا، واج‌آرایی همخوان‌ها در خوشه‌های دوهمخوانی آغازه و پایانه و همچنین چگونگی تأثیر واکه هسته هجا در انتخاب همخوان‌های خوشه ناهمانند پایانه در گویش بلوچی سرحدی گرنچین مورد بررسی و توصیف قرار گرفت. پیکره زبانی بررسی شده نشان داد که در گویش مذکور، الگوی کلی هجا به صورت  $(c)(c)(c)v(c)(c)$  است، یعنی، هجا در این گویش دارای حداقل یک عنصر هجایی است که به‌عنوان مرکز هجا عمل می‌کند و قبل از آن حداکثر سه همخوان و بعد از آن نیز حداکثر دو همخوان می‌توانند واقع شوند. علاوه بر این، محدودیت‌های حاکم بر واج‌آرایی همخوان‌ها در خوشه‌های دوهمخوانی آغازه و پایانه هجا بررسی شد و آشکار شد که در گویش بلوچی سرحدی گرنچین کاربرد خوشه‌های دوهمخوانی در پایانه نسبت به خوشه‌های دوهمخوانی در آغازه بیشتر است. همچنین، نوع واکه هسته هجا در گزینش همخوان‌های خوشه ناهمانند پایانه نقش دارد. به‌عبارت دیگر، کاربرد همخوان‌های خوشه پایانه بسته به نوع واکه هسته هجا متفاوت است.

### منابع

- آهنگر، عباسعلی، کارینا جهانی، گلناز مدرسی قوامی و فهیمه ساغریچی (۱۳۹۳). «بررسی زایشی دستگاه واجی گویش بلوچی سرحدی گرنچین». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. سال اول، ش ۴، ۳۰-۱.
- آرانسکی، یوسف م. (۱۳۸۶). *زبان‌های ایرانی*. چ ۲. ترجمه علی اشرف صادقی، تهران: سخن.
- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۴). *واج‌شناسی: نظریه بهینگی*. تهران: سمت.
- پرمون، یدالله (۱۳۸۰). *نظام آوایی فارسی محاوره‌ای معیار امروز: رویکردی زایشی، وزنی (عروضی) و واژگانی*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- جمال‌زهی، فرزانه (۱۳۹۰). *بررسی توصیفی ساختواره بلوچی سرحدی گرنچین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- حق‌شناس، محمدعلی (۱۳۸۴). *آواشناسی (فونتیک)*. چ ۱۰. تهران: آگه.

سوهانی، بهاره (۱۳۸۳). نظام آوایی بلوچی سراوان (گونه آبادی بخشان)، رویکردی خطی و غیرخطی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.  
 کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۸). واج‌شناسی رویکردی قاعده بنیاد. چ ۲. تهران: سمت.  
 مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۵). ساخت آوایی زبان. چ ۵. مشهد: دانشگاه فردوسی.  
 یوسفیان، پاکزاد (۱۳۸۳). توصیف رده‌شناختی زبان بلوچی. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.

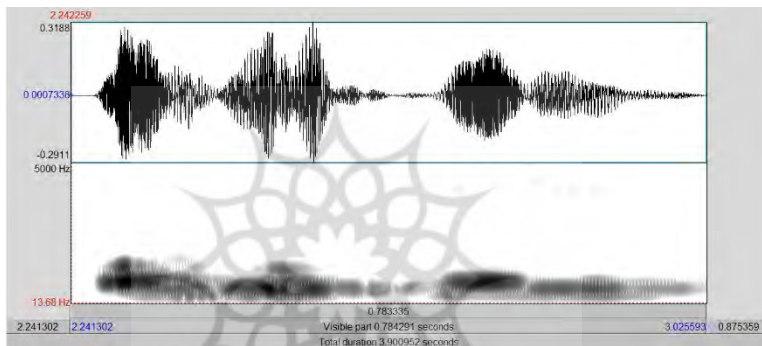
- Ahangar, A. A. (2007). "A description of verbal system in Sarhaddi Balochi of Granchin". In *Orientalia Suecana*. 56, 5-24.
- Axenov, S. (2006). *The Balochi language of Turkmenistan: A corpus-based grammatical description*. Uppsala: Uppsala University.
- Baranzehi, A. N. (2003). "The Sarawani dialect of Balochi and Persian influence on it." In C. Jahani, & A. Korn (Eds.). *The Baloch and their neighbours: Ethnic and linguistic contacts in Balochistan in historical and modern times*. Wiesbaden: Reichert, 75-112.
- Barjasteh Delforooz, B. (2003). "The structure of present and past stem in Balochi compared to old, middle and new Persian." In C. Jahani, & A. Korn (Eds.). *The Baloch and their neighbors: Ethnic and linguistic contacts in Balochistan in historical and modern times*. Wiesbaden: Reichert, 19-32.
- Burquest, D. A. (2001). *Phonological analysis: a functional approach*. Dallas: SIL International.
- Clark, John & Collin Yallop (1995). *An Introduction to phonetics and phonology*. 2<sup>nd</sup> Ed. Cambridge MA and Oxford UK: Blackwell Publisher.
- Clements, G. N, & S. J. Keyser (1983). *CV phonology: a generative theory of syllable*. Cambridge, Mass.: MIT.
- Crystal, D. (2008). *A dictionary of linguistics and phonetics*. 6<sup>th</sup> ed. London: Blackwell.
- Dabir-Moghaddam, M. (2008). "On agent clitics in Balochi in comparison with other Iranian languages". In. C. Jahani, A. Korn, & P. Titus. (eds.) *the Baloch and others: Linguistic, historical and socio-political perspectives on pluralism in Balochistan*. Wiesbaden: Reichert, 83-100.
- Durand, J. (1990). *Generative and non-linear phonology*. Harlow: Longman.

- Elfenbein, J. (1989). "Balochi." In. *CLI*. 350-362.
- Elfenbein, J. (1990). *An anthology of classical and modern Balochi literature*. (2 vols.), Wiesbaden: Harrassowitz.
- Farrell, T. (1989). *A study of ergativity in Balochi*. M.A thesis. London: School of Oriental and African Studies, University of London.
- Hayes, B. (2009). *Introductory phonology*. London: Blackwell.
- Jahani, C. (2003). "The case system in Iranian Balochi in a contact linguistic perspective." In C. Jahani & A. Korn (Eds.). *The Baloch and their neighbours: Ethnic and linguistic contacts in Balochistan in historical and modern times*. Wiesbaden: Reichert, 59-64.
- Jahani, C. (2008). "Restrictive relative clauses in Balochi and the marking of the antecedent- linguistic influence from Persian?." In C. Jahani, A. Korn, & P. Titus. *The Baloch and others: Linguistic, historical and socio-political perspectives on pluralism in Balochistan*. Wiesbaden: Reichert, 139-166.
- Jahani, C. and A. Korn (2009). "Balochi." In. G. Windfuhr. *Iranian Languages*. 634-692.
- Katamba, F. (1989). *An Introduction to phonology*. Essex: Longman.
- Korn, A. (2003). "Balochi and the concept of north-western Iranian." In C. Jahani & A. Korn (eds.). *The Baloch and their neighbours: Ethnic and linguistic contacts in Balochistan in historical and modern times*. Wiesbaden: Reichert, 49-60.
- Korn, A. (2008). "The nominal systems of Balochi: How many Grammars?." In C. Jahani, A. Korn & P. Titus. *The Baloch and others: Linguistic, historical and socio-political perspectives on pluralism in Balochistan*. Wiesbaden: Reichert, 167-196.
- Ladefoged, P. (2006). *A course in phonetics*. 5<sup>th</sup> ed. Boston: Thomson Wadsworth.
- Mahmoodi-Bakhtiari, B. (2003). "Notes on the tense system in Balochi and standard Persian." In C. Jahani & A. Korn (Eds.). *The Baloch and their neighbors: Ethnic and linguistic contact in Balochistan in historical and Modern times*. Wiesbaden: Reichert, 133-146.
- Paul, L. (2003). "The position of Balochi among Western Iranian languages." In C. Jahani & A. Korn (Eds.). *The Baloch and their neighbors: Ethnic and linguistic contact in Balochistan in historical and Modern times*. Wiesbaden: Reichert, 61-74.

Spencer, A. (1996). *Phonology: Theory and description*. Oxford: Basil Blackwell.

### پیوست (۱)

پیوست (۱)، برای نمونه، تولید واژه /a:/ را بدون حضور انسدادی چاکنایی در هجاهایی که با واژه شروع می‌شوند در گویش بلوچی سرحدی گرنچین نشان می‌دهد.



«آن دختر»

/a: dot.tag/

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی